

عنوان پادکست: در طلب خداوند

در طلب خداوند - صداقت (بخش ۲)

نازی: آیا می‌دانید که مسیح کاملاً می‌داند که در فکر شما چه می‌گذرد؟

سابرینا: من و شما ممکن است در حال صحبت با کسی باشیم، او را به گرمی بپذیریم، با او بخندیم و مکالمه‌ای گرم با او داشته باشیم، ولی در درون خود از او کاملاً متنفر باشیم و تحمل او برای ما سخت باشد و احساس کنیم که چه شخص حراف و نجسبی است. بله، از او خوشمان نمی‌آید ولی در ظاهر می‌خندیم و پذیرای مصاحبت با او هستیم. ولی آیا به این فکر می‌کنیم که ما با خدایی در ارتباط هستیم که از همه افکار و احساسات درونی ما خبر دارد و می‌داند که در فکر ما چه می‌گذرد؟!

نازی: شنوندگان گرمی، امروز با برنامه‌ای دیگر از «پادکست دل‌هایمان احیا کن» با صدای سابرینا اصلان در خدمت شما عزیزان هستیم. همانطور که می‌دانید، ما در حال مطالعه موضوع صداقت و راستی و نقش آن در بیداری روحانی هستیم. کلام خدا، مسیح را خدای دانای مطلق معرفی می‌کند که همه چیز را می‌بیند و از همه چیز آگاهی دارد. این خصوصیت مسیح چه تاثیری بر زندگی شما دارد؟ آیا این شما را و امیدارد که با خدا صادق باشید؟ و چیزی را از او پنهان نکنید؟ در برنامه امروز به این موضوع خواهیم پرداخت.

سابرینا: در اناجیل، ما به عبارتی برمی‌خوریم که حداقل چهار بار تکرار شده است. و آن، این است که مسیح می‌دانست در فکر افراد چه می‌گذرد. شاید این قدری شرم آور و یا ترسناک باشد که او بداند که درون ما چه می‌گذرد. ولی به هر حال این واقعیتی است که کلام خدا نشان می‌دهد که او از همه افکار و انگیزه‌های درونی ما باخبر است حتی قبل از آنکه آنها را به زبان بیاوریم.

من و شما ممکن است در حال صحبت با کسی باشیم، او را به گرمی بپذیریم، با او بخندیم و مکالمه‌ای گرم با او داشته باشیم، ولی در درون خود از او کاملاً متنفر باشیم و تحمل او برای ما سخت باشد و احساس کنیم که چه شخص حراف و نجسبی است. بله، از او خوشمان نمی‌آید ولی در ظاهر می‌خندیم و پذیرای مصاحبت با او هستیم. ولی آیا به این فکر می‌کنیم که ما با خدایی در ارتباط هستیم که از همه افکار و احساسات درونی ما خبر دارد و می‌داند که در فکر ما چه می‌گذرد؟!

اگر به انجیل مرقس فصل دوازدهم مراجعه کنیم، در آنجا مسیح را می‌بینیم که روزی در برابر صندوق بیت المال معبد نشسته بود و مردمی را می‌دید که از آنجا رد می‌شدند و پول در صندوق می‌انداختند. کلام خدا می‌گوید بسیاری از ثروتمندان مبالغ هنگفت می‌دادند. سپس بیوه زنی فقیر آمد دو قران در صندوق انداخت. آنگاه عیسی شاگردان خود را فراخواند و به ایشان فرمود: «آمین، آمین به شما می‌گویم این بیوه زن فقیر بیش از همه آنها که در صندوق پول انداختند هدیه داده است.» مسیح دقیقاً می‌دانست هر یک از اشخاص چقدر پول در صندوق ریخته‌اند. اما موضوع مهم‌تر این بود که حتی او از انگیزه قلبی آنها هم باخبر بود چون به شاگردان خود می‌گوید به شما می‌گویم که این بیوه زن فقیر از همه آنها که در صندوق پول انداختند بیشتر هدیه داده است. زیرا آنان جملگی از فزونی دارایی خویش دادند اما این زن در تنگدستی خود هر آنچه داشت یعنی تمامی روزی خویش را داد. (مرقس ۱۲: ۴۱-۴۴)

بله، ما با خدایی در ارتباط هستیم که نه فقط از اعمال ما بلکه از همه افکار، احساسات و انگیزه‌های درونی ما نیز خبر دارد و می‌داند که در فکر ما چه می‌گذرد.

مزمور ۹۰: ۸ می‌گوید: «گناهان ما را در نظر خود گذارده‌ای و خفایای ما را در نور روی خویش.» بنابراین، هیچ چیزی نیست که من به آن فکر کنم یا عملی که آن را انجام دهم و خدا از آن خبر نداشته باشد. او همه گوشه‌های قلب مرا می‌بیند. همه آن چیزهای پنهانی‌ای که فکر می‌کنم هیچ کس دیگر از آنها خبر ندارد، او از همه آنها آگاهی دارد. به قول مزمور ۱۳۹ تاریکی هم برای او مثل نور روشن است.

روزی مسیح با زنی سامری در کنار چاه آبی ملاقات کرد. او در مکالمه‌اش با آن زن، از او خواست تا شوهر خودش را هم به آن جا بیاورد. زن در پاسخ به مسیح می‌گوید: "من شوهری ندارم." مسیح به او جواب می‌دهد: «راست می‌گویی که شوهر نداری، پنج شوهر داشته‌ای و آنکه هم که اکنون داری، شوهرت نیست. آنچه گفتی راست است.» (یوحنا ۴: ۱۷)

مسیح به او نشان می‌دهد که از هر آنچه در گذشته و حال او اتفاق افتاده است با خبر است و درست پس از این موضوع، زن وقتی می‌بیند که او از همه چیز باخبر است، فکر می‌کند که او یک نبی است. پس شروع به صحبت درباره مسائل مذهبی می‌کند. او در واقع خودش را پشت معلومات مذهبی پنهان می‌کند. و مسیح در جواب می‌گوید: «یک پرستنده حقیقی، خدا را در روح و راستی پرستش می‌کند.» در واقع حرف مسیح این است که اگر می‌خواهی واقعاً به خدا نزدیک شوی، باید با راستی و صداقت نزدیک شوی نه با تزویر و ریا.

خدا همه چیز را میداند و هیچ چیز از نظر او مخفی نیست. و انتظار او از ما این است که بی‌پرده، با خلوص، و با صداقت و راستی به حضور او آییم. بعضی وقتها این کار، عملی است دشوار و گاهی دردناک! اگر به یاد داشته باشید، کلام خدا در کتاب هوشع از ما دعوت می‌کند تا زمین قلب‌های خودمان را خیش بزنیم و خاک آن را زیر و رو کنیم. در این زیر و رو کردن‌ها چیزهایی هست که آن پایین‌پایین‌ها مخفی مانده‌اند. خدا می‌خواهد آنها را

به حضور او بیاوریم و با او صادق و راست باشیم. انجیل یوحنا و نامه اول یوحنا هر دو تصویری از نور به ما ارائه می‌دهند که با موضوع مورد بحث ما خیلی مرتبط است.

از شما دعوت می‌کنم که ابتدا به اول یوحنا مراجعه کنید. در فصل اول، آیه ۵ می‌خوانیم: «این است پیامی که از او شنیده‌ایم و به شما اعلام می‌کنیم: خدا نور است و هیچ تاریکی در او نیست.» نور چیزی است که قدرت دارد که همه آن چیزی را که تاریکی می‌توانست مخفی کند آشکار کند. تاریکی می‌پوشاند و پنهان می‌کند ولی نور آشکار می‌کند. چرا اشیا را زیر نور قرار می‌دهیم؟ تا آنها را ببینیم. گام برداشتن در نور یعنی زندگی آشکار و بی‌پرده داشتن و این یکی از قدم‌های بنیادین برای نزدیک شدن به خداست. بله، خدا نور است و همه چیز را می‌بیند. او از همه چیز خبر دارد و هیچ تاریکی در او جای ندارد. در واقع تاریکی قدرت غلبه بر نور را ندارد. در آیات بعد می‌بینیم که یوحنا به یک فرآیند پیشرونده خطرناک اشاره می‌کند. در این آیات به سه مرحله دروغ و فریب اشاره شده است، سه مرحله‌ای که به ترتیب فاصله ما را از نور بیشتر و بیشتر می‌کند، سه مرحله‌ای که نشان می‌دهد که ما چگونه از نور دورتر و دورتر می‌شویم و برعکس در تاریکی دروغ و فریب رشد می‌کنیم.

یوحنا ابتدا در آیه ۶ می‌گوید: «اگر بگوییم با او رفاقت داریم و حال آنکه در تاریکی گام می‌زنیم، دروغ می‌گوییم و به راستی عمل نمی‌کنیم.» بنابراین، اولین مرحله دوری گزیدن از نور، این است که در راستی زندگی نکنیم. یعنی تصویری از خود برای دیگران ترسیم کنیم که راست نیست و واقعیت ندارد. ما ممکن است با زبان دروغ نگوییم ولی در اعمال خودمان دروغگو و فریبکار باشیم. در واقع چهره اصلی ما با یک ماسک پوشیده شده و در حال نقش بازی کردن هستیم و راستی و حقیقت را درباره خودمان پنهان می‌کنیم و بر اساس آیه ۶ به راستی عمل نمی‌کنیم. پس این مرحله مربوط به زندگی و اعمال ما است که به دور از واقعیت و راستی هستند و به وسیله آن در حال فریب دادن دیگران هستیم. در این مرحله، ما سعی می‌کنیم که با نقش بازی کردن دیگران را فریب دهیم ولی این به همین جا ختم نمی‌شود.

در مرحله بعد ما خودمان را فریب خواهیم داد. آیه ۸ می‌گوید: «اگر بگوییم بری از گناهیم، خود را فریب داده‌ایم و راستی در ما نیست.» متأسفانه وقتی در دروغ و فریب دیگران برای مدت مدیدی زندگی کنیم، دیگر خودمان هم آن دروغ را باور می‌کنیم و خودمان هم فریب می‌خوریم. در واقع با فریب دادن دیگران آغاز می‌کنیم ولی بعد به فریب دادن خودمان هم می‌رسیم. در این مرحله است که واقعاً باور می‌کنیم که عمل بدی در زندگی من اتفاق نیفتاده است و وضعیت من خوب است. در این جاست که واقعاً با باور کردن آنچه که سعی کردیم دیگران را با آن فریب دهیم خودمان هم فریب می‌خوریم. در این مرحله خودمان را با دیگران مقایسه می‌کنیم و می‌گوییم در مقایسه با فلانی من که آدم قاتل، زناکار و یا حسود و متکبری نیستم. شاید یکی دو تا مشکل کوچولو داشته باشم، ولی مثل فلانی و فلانی گناهان بزرگ و وحشتناک ندارم و درست مثل آیه ۸ می‌گوییم: «بری از گناهیم.» ولی کلام خدا در همین آیه به ما می‌گوید خود را فریب داده‌ایم و راستی در ما نیست. حالا در این بین خدا توسط کلامش که نور است، گناهان ما را به ما نشان می‌دهد و ما در صدد پوشاندن آن هستیم و نمی‌خواهیم خدا بر قلب ما نور خودش را بتاباند تا معلوم شود آن زیر زیرها چه چیزهایی وجود دارد.

در مرحله سوم، وقتی خدا گناه ما را به ما نشان می‌دهد، به او می‌گوییم که نه گناه نکرده‌ایم. آیه ۱۰ می‌گوید: «اگر بگوییم گناه نکرده‌ایم» یعنی اگر با خدا هم نظر نباشیم، اگر با دید و معیار و استاندارد خدا به خودمان نگاه نکنیم، مرحله خطرناک سوم را تجربه خواهیم کرد. مثلاً خدا توسط کلامش به ما می‌گوید: "در تو طمع هست. تو خیلی راحت به دیگران دروغ می‌گویی. زندگی اخلاقی تو گناه آلود است. تو مشکل حسادت داری. تو خودت را بالاتر از دیگران حساب می‌کنی. تو حاضر نیستی آن شخص را ببخشی." و بعد ما به خدا می‌گوییم: "نه، خداوندا، حتماً این صدای تو نیست. خداوندا اینها درباره من صدق نمی‌کند و یا اگر هم صدق می‌کند، من ترجیح می‌دهم که آن زیر زیرها بمانند!" و به این ترتیب، این دفعه خدا را دروغگو می‌شماریم و با پنهان کردن آنچه خدا به ما نشان می‌دهد، می‌خواهیم خدا را فریب بدهیم. آیه ۱۰ می‌گوید: «اگر بگوییم گناه نکرده‌ایم، او را دروغگو جلوه می‌دهیم و کلام او در ما نیست.» مسیح در انجیل یوحنا فصل سوم به شخصی به نام نیکودیموس گفت: «هر آنکه بدی را به جا می‌آورد، از نور نفرت دارد و نزد نور نمی‌آید مبادا کارهایش آشکار شده، رسوا گردد. اما آنکه راستی را به عمل آورد، نزد نور می‌آید تا آشکار شود که کارهایش به یاری خدا انجام شده است.» در واقع، مسیح به دو نوع افراد اشاره می‌کند. اول، آنانی که بدی و شرارت را به جا می‌آورند. اینها چه خصوصیتی دارند؟ آنها وارد نور نمی‌شوند، هیچ وقت نمی‌خواهند بی‌پرده باشند، همیشه پنهان می‌کنند، و در مقابل نور مقاومت نشان می‌دهند. ولی چرا از نور متنفرند؟ چرا نمی‌خواهند وارد نور شوند؟ چون اعمال بدشان آشکار می‌شوند. به این آیه دوباره توجه کنید: هر آنکه بدی را به جا می‌آورد، از نور نفرت دارد و نزد نور نمی‌آید مبادا کارهایش آشکار شده و رسوا گردد.

برعکس، دسته دوم آنانی هستند که راستی را به عمل می‌آورند. دوباره به این آیه توجه کنید: «اما آنکه راستی را به عمل آورد، نزد نور می‌آید تا آشکار شود که کارهایش به یاری خدا انجام شده است.» جالب است این آیه نمی‌گوید آنان که کار نیکو می‌کنند ... بلکه می‌گوید آنان که راستی را به عمل می‌آورند. اینها کسانی نیستند که با قدرت خودشان زور می‌زنند گناه نکنند و مسیحی خوبی باشند. نه، اینها کسانی هستند که با خدا صادق، بی‌پرده و رو راست هستند و ابا ندارند که خدا نور خودش را بر آنها بتاباند.

عزیزان، خداوند به دنبال کسانی نیست که فقط اعمال خوب انجام بدهند و با سعی و تلاش خود زور بزنند تا با مذهب، آدم خوبی باشند. خدا به دنبال کسانی است که در ارتباط با وضعیت قلبی و درونی خودشان در حضور او راست، بی‌پرده، و صادق باشند. و وقتی که او گناهی را با نور خود نشان می‌دهد، با او هم نظر بشوند و از قبول آن طفره نروند.

خدا از من و شما می‌خواهد که در نور راه برویم و مثل خدا در باره گناهانمان فکر کنیم و واکنش همراه با توبه از خود نشان دهیم.

آیا شما در نور راه می‌روید؟ آیا شما زندگی‌ای باز، بی‌پرده، و شفاف در مقابل خدا و دیگران دارید؟ آیا همانطور که مسیح به نیکودیموس گفت، شما راستی و صداقت، خلوص و بی‌پرده بودن را به عمل می‌آورید؟ آیا چیزی در

زندگی شما هست که باید از تاریکی به زیر نور او آورده شود؟ ... آن چیزهایی که اصلاً تمایل ندارید آشکار بشوند، بیابید امروز آنها را با راستی به زیر نور مسیح بیاوریم. برخی از ما لازم است که پیش دیگران برویم و به گناه خود نسبت به آنها اعتراف کنیم. پیش همسر، پدر و مادر، فرزندان، همکار، رئیس، شبان و یا یک دوست. آیا چیزی هست که سال‌ها پوشیده باقی مانده، سالها با تزویر و نقش بازی کردن طور دیگری جلوه داده شده؟ بیاد داشته باشید که اگر ایماندار به مسیح هستید، روح خدا قادر است که بر این قسمت‌های تاریک، نور خودش را بتاباند. بیابید امروز من و شما از این نور فرار نکنیم. در مقابل آن از خودمان مقاومت یا بی تفاوتی نشان ندهیم. به داخل این نور پاک کننده برویم و به راستی عمل کنیم.

نازی: راه رفتن در نور شاید به نظر مشکل و دردناک باشد، ولی کلام خدا به ما نشان می‌دهد که اگر به گناهی که خدا در نور خودش به ما نشان داده، اعتراف کنیم، او در امانت خودش ما را می‌آمزد و از هر ناراستی و ناخالصی، ما را پاک می‌کند.

صداقت یکی از موضوعاتی است که در کتاب **در طلب خداوند** مورد بررسی قرار گرفته شده و یک فصل به آن اختصاص داده شده است. شما را تشویق می‌کنیم که این کتاب را تهیه کنید و به همراه این برنامه آن را مطالعه کنید. در برنامه آینده به زندگی زنی خواهیم پرداخت که در کلیسا خیلی خوب نقش بازی می‌کرد. از شما دعوت می‌کنیم که با ما در این برنامه همراه شوید.

آنچه در این برنامه‌ها خدمت شما شنوندگان گرامی ارائه می‌شود، تعالیم نانسی دیماس و لگموت، با صدای فارسی سابرینا اصلان است که به سمع شما می‌رسد. ترجمه و تهیه این برنامه‌ها حاصل همکاری دو مؤسسه «دل‌هایمان احیا کن» و «راستی» می‌باشد.